

مالکیت نهادی و کنترل و هموارسازی سود

مجید جامی^۱، محمد خمیری^۲، داود آتش پنجه^۳

۱- دکتر حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت، موسسه آموزش عالی هاتف، زاهدان

۲- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت، موسسه آموزش عالی هاتف، زاهدان

۳- کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده حسابداری و مدیریت، موسسه آموزش عالی هاتف، زاهدان

چکیده

در پی بروز رسوایی های مالی در طول یکصد سال گذشته، نیاز برای پیاده سازی سازوکارهایی جهت نظارت و حفظ منافع سهامداران و سایر ذی نفعان به طور روزافزونی احساس شدند. این سازوکارها در غالب اصول راهبردی شرکت، به طور خاص به دنبال افزایش پاسخگویی و شفافیت جهت نظارت هرچه بیشتر هستند. همچنین هموارسازی سود به عنوان یکی از بحث های چالش برانگیز حسابداری همواره کیفیت و شفافیت سودهای گزارش شده را تحت تاثیر قرار داده است. در این تحقیق به بررسی مکانیزم های نظارتی مربوط به مالکیت سهامداران نهادی و تاثیر آن بر روی تمایل مدیران برای هموارسازی سود پرداخته شد. نتایج تحقیق حاکی از وجود ارتباط معنی دار بین هموارسازی سود و مالکیت نهادی است .

واژه های کلیدی: هموارسازی سود، سهامداران نهادی، حاکمیت شرکتی، مدیریت سود

مقدمه

موضوع هموار سازی سود مدتی است که مبحث جالب و سوال برانگیز در حسابداری و مدیریت مالی می باشد و تا کنون جواب مشخصی برای آن ارائه نشده است. اصولاً سرمایه گذاران خصوصی برای کسب بازدهی سرمایه گذاری می کنند. دریافت سود سهام یکی از راه های کسب بازدهی است و سیاست تقسیم سود را می توان ایجاد تعادل بین سود انباشته شرکت از یک طرف و پرداخت وجه نقد و انتشار سهام جدید از طرف دیگر تعریف کرد. یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه، توانایی جذب پس اندازها و هدایت آن به سمت فعالیتهای سرمایه گذاری است و می توان ادعا کرد که، فرآیند تخصیص موثر سرمایه برای سلامتی اقتصاد و در پی آن ارتقای بهره وری و تشویق ابتکارات ضروری است و این مسئله بازاری روان و کار را برای خرید و فروش اوراق بهادار و تبادل اعتبارات ایجاد می کند. بر خلاف آن، فرآیند تخصیص بیمار گونه سرمایه موجب انجام کارهای بدون بهره وری می شود و بازار سهام را تضعیف می کند (جعفری، ۱۳۸۳). در این بازار دو گروه اصلی فعال هستند که یک گروه عرضه کننده پول و گروه دیگر تقاضا کننده آن است آنچه برای گروه اول (سرمایه گذاران) اهمیت دارد سود سرمایه و مبلغی است که به سرمایه اولیه افزوده خواهد شد از این رو سرمایه گذاران همواره باید در مورد اینکه سرمایه خود را کجا قرار دهند تا بیشترین سود عایدشان شود تصمیم گیری کنند، از طرفی دیگر، مدیریت شرکت ها نیز تلاشی می کنند تا ثروت سرمایه گذاران (سهامداران) را حداکثر کنند آنان نیز برای دستیابی به هدفشان، باید تصمیمات مناسب و مربوط اتخاذ کنند..

بیان مسئله

رسوایی های مالی اخیر نظیر آن چه در انرون و ورلدکام رخ داد به مساله نمایندگی مربوط می باشد. بر همین اساس نیاز به طراحی سازوکارهایی نظارتی جهت کاهش مساله نمایندگی به شدت احساس شد. برای حل و فصل مشکل مذکور، در دو دهه اخیر مفهوم مهم حاکمیت شرکتی مطرح شده است. دو دیدگاه نظری عمده شامل تئوری نمایندگی و تئوری ذی نفعان در این مورد مطرح است که یکی از منظر کارگزار و کارگمار و دیگری از منظر کارگزار و ذی نفع به موضوع می نگرد. (حساس یگانه، ۱۳۸۴). از سوی دیگر یکی از مسائل بحث برانگیز سده اخیر نیز بحث مدیریت سود به طور اعم و بحث هموار سازی سود به طور اخص می باشد. اگرچه هموارسازی سود منجر به کاهش نوسانات سود شرکت می شود اما برخی پژوهشگران نگرشی منفی نسبت به پدیده هموار سازی سود دارند. این گروه معتقدند هر چقدر هم که هموارسازی سود مفید باشد، ولی در کل دستکاری واقعیت کار خوبی نیست و هموارسازی سود موجب گمراهی استفاده کنندگان برون سازمانی می شود (عثمان، ۲۰۰۸) یکی از مفروضات هموارسازی سود این است که مطلوبیت مدیریت مستقل از ارزش شرکت و مطلوبیت سهامداران است (گوردون^۱، ۱۹۶۴). از این رو باور پژوهشگران این پژوهش بر این است که با فراگیر شدن سازوکارهای حاکمیت شرکتی و کاهش اثرات مساله نمایندگی باید شاهد کاهش رفتارهایی نظیر هموارسازی سود باشیم که از تضاد منافع مدیر و سهامداران شکل می گیرد. حاکمیت شرکتی ظرفیت مدیران برای مدیریت سود را کاهش می دهد و توانایی بهبود قابلیت اتکای سودهای حسابداری را دارد (پیسنل، پوپ و یانگ^۲، ۲۰۰۰، کیل و نیکلسون^۳، ۲۰۰۳).

زمانی که مدیران انگیزه ای برای دستکاری سود داشته باشند، قابلیت اتکای سود زیر سوال می رود (رزنفیلد^۴، ۲۰۰۰) و همین امر سبب می شود که مدیران فرصت گمراه کردن سهامداران و استفاده کنندگان برون سازمانی را داشته باشند. یکی از انگیزه های شرکت ها برای دستکاری سود زمانی است که به دلیل نزدیکی سهامدار عمده به مدیران شرکت، تضاد منافع، بیشتر به شکل مجادله بین سهامدار عمده و سهامدار جزء نمود پیدا می کند. در این حالت سهامداران عمده تمایل دارند برای نیل به منافع خود دست به مدیریت سود بزنند.

¹ Gordon, M.J

² Peasnell, P., Pop, P. and Young

³ Keil, G. and Nicholson

⁴ Rosenfield, P

پرسش اصلی این تحقیق این است که مالکیت نهادی که یکی از ابزارهای حاکمیت شرکتی است، تا چه اندازه می تواند در کاهش هموارسازی سود توسط شرکت‌های پذیرفته شده در بورس ایران موثر باشد؟

اهمیت و ضرورت موضوع

یکی از اولین بحران‌های فراگیر که در بورس امریکا رخ داده است، بحران سال ۱۹۲۹ می باشد که یکی از ریشه‌های آن مشکل تضاد منافع ناشی از جدایی مالکیت از مدیریت می باشد. این مشکل اولین بار در سال ۱۷۷۶ توسط آدام اسمیت مطرح شد (دراوتز و شیلهافر و زیرمن^۵، ۲۰۰۴) این تضاد منافع ممکن است باعث شود مدیران تصمیماتی اتخاذ کنند که در راستای منافع خود و مغایر با منافع سهامداران باشد (جنسن و مک‌کلینگ^۶، ۱۹۷۶) این تضاد منافع که از آن به عنوان مساله نمایندگی یاد می شود، ناشی از دو علت است: اول اینکه هر یک از صاحبان منافع شرکت‌های سهامی ترجیحات متفاوتی دارند و دیگر این که هیچ کدام اطلاعات کاملی در مورد اقدام‌ها، دانش و ترجیحات دیگری ندارد (برل و مینز^۷، ۱۹۳۲).

یافتن راه‌های موثر برای افزایش شفافیت اطلاعات و کاستن از شدت هزینه‌های نمایندگی همواره از دغدغه‌های سهامداران بوده است. بدون شک آن چه به مساله نمایندگی و وقوع بحران‌های یاد شده دامن می زند کیفیت پایین سودهای گزارش شده در اثر دستکاری سود است. سازوکارهای حاکمیت شرکتی می تواند ظرفیت مدیران برای مدیریت سود را کاهش دهد و منجر به افزایش قابلیت اتکای سودهای گزارش شده شود (پیسنل، پوپ و یانگ، ۲۰۰۰، کیل و نیکلسون، ۲۰۰۳) از همین رو یافتن ارتباط مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی نظیر ساختار مالکیتی و کنترل با متغیرهای مربوط به قابلیت اتکای سود نظیر هموارسازی سود دارای اهمیت بالقوه‌ای است چرا که می توان با کاهش هموارسازی سود به جریان یافتن اطلاعات واقعی، شفاف و قابل اتکا کمک نمود.

پیشینه تحقیق

ستایش، محمد حسین و دیگران (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود، ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس را در طی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که کیفیت حسابرسی بر هموارسازی سود در سه سطح ناخالص، عملیاتی و خالص تاثیر دارد. همچنین آنها درصد اعضای غیر موظف هیئت مدیره و مالکیت نهادی و مدیریتی را بر سطوح مختلف هموارسازی سود موثر یافتند. در این تحقیق بین استقلال هیئت مدیره و هموارسازی سود ارتباطی مشاهده نگردید.

مرادزاده فرد و بابایی (۱۳۹۵) در پژوهشی که بر روی ۷۷۶ سال - شرکت انجام شد به این نتیجه رسیدند که بین میزان مالکیت سهامداران نهادی و مدیریت سود رابطه معناداری وجود ندارد. در این پژوهش برای برآورد ارقام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز استفاده شده است.

بدری، احمد (۱۳۹۶) در تحقیق خود با هدف شناسایی عوامل موثر بر هموارسازی سود در جامعه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس بررسی مفصلی انجام داد. وی در نهایت به این نتیجه دست یافت که عواملی نظیر نسبت سودآوری و نوع صنعت به عنوان عوامل موثر بر هموارسازی سود شناسایی شدند. بر اساس این تحقیق شرکت‌های دارای سود آوری کمتر انگیزه بیشتری برای هموارسازی سود دارند.

مرادزاده فرد و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی رابطه مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران» به این نتیجه رسیدند که بین سطح مالکیت نهادی سهام و مدیریت ارقام تعهدی رابطه منفی وجود دارد، لذا سهامداران نهادی نقش نظارتی فعالی بر تصمیمات شرکت در مورد مدیریت سود اعمال می کنند. همچنین شواهد پژوهش بیان گر آن بود که با افزایش درصد مالکیت نهادی سهام، انعطاف پذیری شرکت جهت مدیریت ارقام تعهدی کاهش می یابد و سهامداران نهادی کیفیت حاکمیت شرکتی را در شرکت‌های سرمایه پذیر بهبود می بخشند.

⁵ Drobetz, W., Schillhofer, A., Zimmerman, H

⁶ Jensen, C., & Meckling, H

⁷ Berle, A., & Means, G.

مهرانی و قربانی (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی اثر سهامداران نهادی بر مدیریت سود در بین ۹۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج نشان داد که رابطه معناداری بین مدیریت سود و سهامداران نهادی در شرکت های با جریان های نقد آزاد و رشد کم وجود ندارد.

احمد پور و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان بررسی تأثیر مدیران غیر موظف و سرمایه گذاران نهادی در رفتار مدیریت سود و با استفاده از اطلاعات ۱۸۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به این نتیجه رسیدند که وقتی انگیزه برای دستکاری سود بالاست مدیران غیر موظف و سرمایه گذاران نهادی عمده نقش ضعیفی در کاهش ناهنجاری اقلام تعهدی غیر عادی دارند.

یزدانیان (۱۳۹۷) به بررسی تاثیر سهامداران نهادی بر مدیریت سود می پردازد. در این تحقیق که از مدل تعدیل شده جونز به عنوان شاخصی برای تعیین مدیریت سود در شرکتها استفاده شده است نشان داده شد زمانیکه درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی در شرکتها بیش از ۴۵ درصد باشد مدیریت سود کاهش می یابد. همچنین در این تحقیق رابطه ای بین مدیریت سود از یک سو و متغیرهای مستقل وجود مدیران غیر موظف در ترکیب هیئت مدیره و وجود حسابرسان داخلی از دیگر سو، رابطه معنا داری وجود ندارد.

تورس و لیل برونی (۲۰۱۵) نیز به بررسی رابطه ساختار مالکیت و کنترل در شرکت های برزیلی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که با افزایش تمرکز مالکیت، شدت هموارسازی سود توسط مدیران که در جهت منافع سهامدار عمده صورت می گیرد افزایش می یابد.

گیودهامی و همکاران (۲۰۱۶) طی پژوهشی پس از کنترل عوامل مربوط به اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت موجودی کالا بر کل دارایی ها، رشد فروش و تولید ناخالص داخلی سرانه به این نتیجه رسیدند که در شرکت های مورد مطالعه مالکیت دولتی و مالکیت خارجی دارای ارتباط معنادار منفی با انتخاب چهار موسسه حسابرسی بزرگ هستند.

یو و لو (۲۰۱۷) در پژوهش خود نشان دادند که درصد سهام مدیران ارشد، استقلال هیئت مدیره، محیط قانونی، تاثیر پیشینه، شرایط و وضعیت نهادی به عنوان معیارهای حاکمیت شرکتی به میزان با اهمیتی با درجه مدیریت سود مرتبط است. سیرگار و اتاما (۲۰۱۸) طی پژوهشی به این نتیجه رسیدند که شواهد و مدارک رد کننده ای در رابطه با تاثیر مالکیت نهادی، اندازه واحد اقتصادی و رویکرد حاکمیت شرکتی بر نوع مدیریت سود به دست آمده است.

تورس و لیل برونی (۲۰۱۸) نیز به بررسی رابطه ساختار مالکیت و کنترل در شرکت های برزیلی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که با افزایش تمرکز مالکیت، شدت هموارسازی سود توسط مدیران که در جهت منافع سهامدار عمده صورت می گیرد افزایش می یابد.

پرسش تحقیق

افزایش درصد سهامداران نهادی بحث هایی به وجود خواهد آورد. سهامداران نهادی به عنوان سهامداران حرفه ای معمولا مسؤلیت و نظارت بیشتری در شرکت دارند و به عنوان یکی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی مطرح هستند. اما به هر حال پیش از ناظر بودن آنها سهامدار هستند و ممکن است جهت افزایش مطلوبیت خود، از هموارسازی سود استقبال کنند. پرسش اصلی این است که انگیزه های سهامداران نهادی، در نهایت و در عمل چگونه بروز خواهد یافت و آیا تاثیری در کاهش یا افزایش رفتار هموارسازی سود دارد یا خیر؟ لذا می توان به طور جزئی تر اینطور بیان کرد که، پرسش این تحقیق این است که آیا در شرکت های ایرانی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران میان مالکیت نهادی و کنترل و هموارسازی سود ارتباطی وجود دارد؟

فرضیه تحقیق

این پژوهش دارای فرضیه ایی به شرح زیر است:

بین مالکیت نهادی و کنترل و هموارسازی سود ارتباط معناداری وجود دارد.

هدف های تحقیق یا نتایج مورد انتظار

هدف از این تحقیق بررسی ارتباط بین هموارسازی سود با اقدامات حاکمیت شرکتی است. به عبارت دیگر هدف از این تحقیق بررسی اثر سهامداران نهادی بر تمایل شرکت به هموارسازی سود است. انتظار می رود از طریق یافتن ارتباط معنا دار بین سهامداران نهادی با هموارسازی سود بتوان راهکارهایی برای کاهش هموارسازی سود ارائه داد که در اینصورت قابلیت اتکای سودهای حسابداری افزایش یافته و امکان تقلب و احتمال بروز رسوایی های مالی کاهش می یابد.

روش کلی تحقیق

این تحقیق، از لحاظ طبقه بندی پژوهش بر مبنای هدف از نوع کاربردی است. پژوهش حاضر از لحاظ طبقه بندی بر حسب روش، از نوع توصیفی است. از میان انواع روشهای توصیفی نیز از نوع همبستگی می باشد و سعی دارد ارتباط بین مالکیت نهادی و کنترل و هموارسازی سود را مورد بررسی قرار دهد. برای آزمون فرض نیز از روش رگرسیونی پیشرفته لججیت استفاده می شود. ادبیات موضوع به روش مطالعات کتابخانه ای گردآوری شده و روش جمع آوری داده ها میدانی است

جامعه و نمونه تحقیق

جامعه آماری پژوهش شامل تمام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در فاصله سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ می باشد. این شرکت ها دارای ویژگی های زیر خواهند بود:

• قبل از سال ۹۱ و یا در سال ۹۱ وارد بورس شده باشند.

• طی سالهای مذکور تغییر سال مالی نداشته باشند.

• نماد شرکت در طی سال مالی توقف قابل ملاحظه نداشته و در اکثر روزهای سال باز بوده باشد.

همانطور که پیداست قلمرو مکانی تحقیق شامل شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد و قلمرو زمانی تحقیق نیز فاصله زمانی سالهای ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ می باشد.

نمونه گیری از داده ها به روش نمونه گیری تصادفی و به گونه ای انتخاب می شود که در سطح اطمینان قابل اتکایی بتوان آزمون های آماری معتبری انجام داد.

روش های گردآوری داده ها و ابزار مورد استفاده برای آن

روش گردآوری داده ها از منابع زیر خواهد بود:

• صورتهای مالی و گزارشات هیئت مدیره شرکتهای پذیرفته شده در بورس

• سایت اطلاع رسانی سازمان بورس

• سایت مدیریت، پژوهش و توسعه مطالعات اسلامی

• نرم افزار ره آورد نوین

روش های تحلیل داده ها

این تحقیق از نوع همبستگی بوده و برای تحلیل داده ها از مدل آماری لججیت استفاده خواهد شد. در این تحقیق متغیر مستقل شامل مالکیت نهادی است، اندازه شرکت و نسبت به عنوان متغیر کنترل به کار رفته اند. در این تحقیق هموار سازی سود متغیر وابسته است. متغیر وابسته می تواند مقادیر صفر و یا یک اتخاذ کند.

مدل تحقیق

$$EIS = \beta + \beta_1 \text{INSOWNPercenti} + \beta_2 \text{FIRMSize} + \beta_3 \text{FIRM Debtspercent}; + \varepsilon$$

معرفی متغیرهای مدل رگرسیونی

هموارسازی سود	EIS	وابسته	اگر برابر یک باشد معرف شرکتهای هموار ساز سود و اگر برابر صفر باشد معرف شرکتهایی که هموار سازی سود نمی کنند می باشد
مالکیت نهادی	INSOWNPercenti	مستقل	رصدی از سهام دارای حق رای شرکت که متعلق به بانکها، بیمه ها، نهادهای مالیو شرکتهای هلدینگ می باشد.

اندازه شرکت	FIRMSize	کنترلی	لگاریتم طبیعی فروش های شرکت
نسبت بدهی	FIRM Debtspercent	کنترلی	بدهی تقسیم بر دارایی.

آمار توصیفی

نسبت بدهی	اندازه شرکت	مالکیت نهادی	هموارسازی سود	
۰,۵۹۶۱۷۴	۱۳,۱۰۸۴۵	۷۷,۹۴۶۹۸	۰,۳۱۵۵۰۸	میانگین
۰,۶۳۰۰۹۷	۱۲,۹۱۰۷۷	۸۲,۰۰۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	میانه
۱,۰۳۶۴۹۸	۱۸,۴۰۷۵۳۲	۹۹,۰۰۰۰۰۰	۱,۰۰۰۰۰۰	حداکثر
۰,۰۴۳۰۳۶	۹,۶۱۲۸۰۱	۹,۵۲۰۰۰۰	۰,۰۰۰۰۰۰	حداقل
۰,۲۱۲۵۴۰	۱,۵۹۵۶۵۹	۱۶,۲۷۶۴۸	۰,۴۶۵۳۴۰	انحراف معیار
-۰,۴۵۴۵۵	۰,۷۰۸۳۲۲	-۱,۰۲۶۰۹۱	۰,۷۹۳۹۹۶	چولگی
۱۵,۶۶۶۹۱	۹۰,۹۶۶۸۴	۱,۲۲۱۷۷۶	۶۸,۵۲۶۷۹	آماره جارک-برا
۰,۰۰۰۰۳۹۶	۰,۰۰۰۰۰۰	۰,۵۴۲۸۶۹	۰,۰۰۰۰۰۰	احتمال
۱۶,۸۴۹۵۹	۹۸۸۱۶,۶۱	۱۵۲۲۱۷,۶	۱۱۸,۰۰۰۰	Sum sq Dev

میانگین شاخص ایکل برای کل مشاهدات رقم ۰/۳۱۵۵ می باشد. با توجه به اینکه شرکتهای هموار ساز سود دارای شاخص ایکل معادل یک و شرکتهای غیر هموارساز دارای شاخص صفر هستند می توان گفت در ۳/۵ درصد از مشاهدات شرکتهای اقدام به هموارسازی سود نموده اند.

Variable	ضریب متغیر	Std. Error	z-Statistic	Prob.
ثابت	-۲,۰۰۳۴۴۵	۱,۰۱۱۱۰۵	-۱,۹۸۱۴۴۱	۰,۰۴۷۵
مالکیت نهادی	۰,۰۱۹۶۰۲	۰,۰۰۸۸۰۷	۲,۲۲۵۶۷۰	۰,۰۲۶۰
اندازه شرکت	-۰,۰۱۵۳۶۱	۰,۰۷۵۴۶۸	-۰,۲۰۳۵۴۵	۰,۸۳۸۷
نسبت بدهی	۰,۸۰۳۴۴۹	۰,۵۶۲۱۲۰	۱,۴۲۹۳۱۹	۰,۱۵۲۹
McFadden R-squared	۰,۱۰۵۱۸۷	Mean dependent var		۰,۳۱۵۵۰۸
S.D. dependent var	۰,۴۶۵۳۴۰	S.E. of regression		۰,۴۶۳۳۸۹
Akaike info criterion	۱,۲۵۴۶۷۵	Sum squared resid		۷۹,۲۳۵۱۴
Schwarz criterion	۱,۳۰۷۱۳۹	Log likelihood		-۲۲۹,۶۲۴۳
Hannan-Quinn criter.	۱,۲۷۵۵۰۶	Restr. log likelihood		-۲۳۳,۱۶۵۵
LR statistic	۷,۰۸۲۳۱۴	Avg. log likelihood		-۰,۶۱۳۹۶۹
Prob(LR statistic)	۰,۰۳۱۶۲			
Obs with Dep=۰	۲۵۶	Total obs		۳۷۴
Obs with Dep=۱	۱۱۸			

با توجه به جدول فوق، با توجه به مقدار آماره prob برای متغیر مالکیت نهادی که کمتر از ۵ درصد است می توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض صفر رد می شود و فرضیه تحقیق تایید می شود. به عبارت دیگر می توان گفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و مثبت بین متغیر درصد تملک سهامداران نهادی با متغیر وابسته هموارسازی سود وجود دارد. همچنین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و نسبت بدهی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری با متغیر وابسته هموارسازی سود ندارند. همچنین با توجه به احتمال عدم وجود رابطه (prob) برای آماره LR که کمتر از ۵ درصد است نشان می دهد که کل مدل در سطح اطمینان ۷۳ درصد معنی دار است

نتیجه گیری

بین مالکیت نهادی و کنترل و هموارسازی سود ارتباط معناداری وجود دارد. بین میزان مالکیت نهادی و کنترل شرکت با هموارسازی سود رابطه معنادار و منفی در سطح اطمینان ۹۵ درصد مشاهده شد. بدین معنی که با افزایش درصد مالکیت نهادی، تمایل مدیران برای هموارسازی سود کاهش می یابد و شاهد کاهش رفتارهای هموارسازی سود هستیم. این نتیجه تقریباً با نتایج تحقیقات خارجی و داخلی زیادی منطبق است. بر اساس تحقیق اعتمادی و دیگران (۲۰۰۰) ویژگی های حاکمیت شرکتی از جمله تمرکز مالکیت و مالکیت نهادی بر افزایش محتوای اطلاعاتی سود موثر هستند. بر این اساس افزایش محتوای اطلاعاتی سود باعث کاهش هموارسازی سود که رفتاری مخدوش کننده سود است خواهد شد. توریس و لیل برونی (۲۰۱۸) نیز به بررسی رابطه ساختار مالکیت و کنترل در شرکتهای برزیلی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که با افزایش تمرکز مالکیت، شدت هموارسازی سود توسط مدیران که در جهت منافع سهامدار عمده صورت می گیرد افزایش می یابد.

پیشنهادها

- بر اساس یافته های این تحقیق پیشنهادات زیر برای تحقیقات بعدی ارائه می شود:
بررسی توانایی سهامداران حقیقی دارای درصد مالکیت بیش از ۵ درصد به عنوان سهامداران نهادی و یا اصلاح قوانین بازار سرمایه در ایران.
- بررسی ارتباط بین هموارسازی سود و سایر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی مربوط به ترکیب سهامداران نظیر استقلال هیئت مدیره و تعداد اعضای هیئت مدیره.

منابع

- احمد پور، احمد، ملکیان، اسفندیار و کرد تبار، حسین (۱۳۹۷): "بررسی تأثیر مدیران غیر موظف و سرمایه گذاران نهادی در رفتار مدیریت سود"، فصلنامه تحقیقات حسابداری، شماره ۳، ص ۸۷-۶۸.
- بدری، احمد، (۱۳۹۶) شناسایی عوامل موثر بر هموارسازی سود در جامعه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، تهران، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۴) فلسفه حسابرسیانتشارات علمی و فرهنگی تهران.
- حساس یگانه، یحیی و پوریا نسب، امیر (۱۳۸۴)، نقش سرمایه گذاری نهادی در حاکمیت شرکتهای سهامی، ماهنامه حسابداری.
- ستایش، محمد حسین، قربانی، اصغر و گل محمدی، مریم (۱۳۹۴) بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر هموارسازی سود مرادزاده فرد، مهدی، ناظمی اردکانی، مهدی، غلامی، رضا و فرزاتی، حجت الله (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مالکیت نهادی سهام و مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۵، ص ۸۵-۹۸
- مرادی، مهدی (۱۳۹۶) بررسی رابطه بین اهرم مالی و هموارسازی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس تهران. دو فصلنامه تحقیقات مالی، شماره.

- نوروش، ایرج، سپاسی، سحر و نیکبخت، زهرا (۱۳۸۴): "بررسی مدیریت سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۴۳، ص ۱۶۵۱۷۷.
- مهرانی، ساسان و قربانی، بهروز (۱۳۹۷) "بررسی اثر جریان های نقد آزاد و سهامداران نهادی بر مدیریت سود"، مجله تحقیقات حسابداری، شماره ۲، ص ۷۱-۵۰-۱۲- مرادی، مهدی (۱۳۸۶)، "بررسی رابطه بین اهرم مالی و هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، مجله تحقیقات مالی، شماره ۲۴، ص ۱۱.
- Berle, A., & Means, G. (1932). *The Modern Corporation and private property*. Nova Iorque: McMillan.
- Drobtetz, W., Schillhofer, A., Zimmerman, H., (۲۰۰۴). Corporate governance and expected stock returns: evidence from Germany. *European Financial Management* 30, 817-881
- Gordon, M.J., .Postulates, Principles and Research in Accounting. , *The Accounting Review* (April, 1964), pp. 813-11.
- Guedhami, O.; Pittman, J.A.; and W.Saffar (2016). Auditor choice in privatized firms: empirical evidence on the role of state and foreign owners. *Journal of Accounting and Economics*. Pp. 313-37.
- Jensen, C., & Meckling, H. (1976). Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 1 (1), 801-110.
- Keil, G. and Nicholson, G.(2003).Board composition and corporate performance: how the Australian experience informs contrasting theories of corporate governance., *Corporate Governance*, 33(1): 398:801.
- Liou, Q.; Zhou Lu., (2007). Corporate governance and earnings management in the Chinese listed companies: A tunneling perspective. *Journal of corporate finance*, 31, pp. 993-801.
- Peasnell, P., Pop, P. and Young, S.(2000), .Board monitoring and earnings management: Do outside directors influence abnormal accruals?., working paper, Lancaster University.
- Rosenfield, P. (2000), .What drives earnings management?., *Journal of Accountancy*, 380(1): 301-308.
- Siregar, S.V. and Utama, S., (2018). Type of earnings management and the effect of ownership structure, firm size and corporate governance practices: Evidence from Indonesia. *The International Journal of Accounting*, 1133, 3-87
- Torres, D., Leal Bruni, A.(2018).Ownership and control structure, Corporate Governance and Income Smoothing in Brazil. working paper